
بقا و نابودی القاعده در پرتو دستاوردهای ارتباطاتی و اینترنتی

مهدی طاهری*

دیباچه

دنیای امروز ما بهره‌مند از فن‌آوری‌های نوینی است که حتی ممکن است عناصر نامطلوب در جامعه بین‌المللی بدان‌ها توسل جویند. در فضای ارتباطی جدید، عامل زمان و مکان کم‌رنگ شده است و دوری و نزدیکی، عامل خنثی در ارتباطات محلی و جهانی محسوب می‌شوند. صنعت ارتباطات از طریق تلکس، تلفن، نمابر، رادیو، تلویزیون، سینما، و بالاخره اینترنت، جهان جدیدی را به موازات جهان واقعی به وجود آورده است که جهان بی‌مرز، جهان بی‌مکان و به تعبیر دقیق‌تر جهان مجازی نام گرفته است.

* مهدی طاهری، عضو عیات علمی دانشگاه و مدرس علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است.
(mtaheri1982@gmail.com)

پذیرش: ۱۳۸۹/۲/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۸/۱

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال هفتم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۴۸-۱۲۹.

در این عصر، ابزارهای ارتباطی نوین همچون ماهواره و اینترنت، مرزهای طبیعی و سیاسی کشورها را در نوردیده و سراسر جهان را به هم متصل کرده است. اینک، نه تنها در جوامع مدرن، بلکه در سنتی‌ترین جوامع، شاهد حضور و استفاده افراد و گروه‌های مختلف از این تکنولوژی پیشرفته هستیم.

نویسنده در این مقاله نشان خواهد داد که چگونه اسلامگرایان سنتی، از این ابزار مدرن جهت پیشبرد اهداف و مقاصد خود استفاده می‌کنند و به عبارتی این ابزار مدرن را بر علیه مدرنیته به کار می‌بندند. بر همین مبنا پرسش کلیدی مورد بحث این است که گسترش فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات چه تاثیری بر عملکرد القاعده داشته است؟ پاسخی که در پی این پرسش به دنبال آنیم از امکان اشاعه و بازتاب اقدامات این گروه در عرصه جهانی حکایت می‌کند.

مفهوم تکنولوژی جدید

برای تکنولوژی، تعاریف مختلفی ارائه شده است که صرف نظر از تفاوت‌های لفظی، از نظر ماهوی می‌توان آن را به کاربرد دانش فنی در مدیریت حیات اجتماعی تعریف کرد. بنابراین، آن گونه که گفته شده تکنولوژی عبارت است از؛ کاربرد علم و دانش فنی برای تأمین اهداف زندگی یا تفسیر و تسلط بر محیط انسانی. چنین تعریفی شامل کلیت ماشین‌ها، مکانیزم‌ها و رله‌های کنترل، جمع‌آوری، ذخیره، عمل‌آوری و انتقال انرژی و اطلاعات است که به منظور تولید و تحقیقات به وجود آمده‌اند.

مقصود از رویه تکنولوژیک جهانی شدن به صورت کلی عبارت از توسعه و گسترش تکنولوژی ارتباط جمعی و به ویژه تکنولوژی اطلاعات است. جهانی شدن تکنولوژی اطلاعات به وضعیتی اشاره دارد که در اثر کشف و ساخت تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، اطلاعات و نیازمندی‌های فرهنگی و بازرگانی کشورها از طریق شبکه‌های اینترنت، ماهواره و نرم افزارهای رایانه‌ای قابل تأمین می‌باشد. به گفته یکی از پژوهشگران در عصر جدید ما شاهد جهانی بی‌مرز هستیم، دیگر مرزها اهمیت چندانی

ندارد و همگان به عنوان مصرف‌کننده شناخته می‌شوند. امروزه مردم در هر نقطه از دنیا قادرند که اطلاعات مورد نیازشان را به صورت مستقیم از اکناف عالم به دست آورند و این امر را بفهمند که چه چیزی در زمره ترجیحات سایر کشورها قرار دارد.^(۱) بنابراین، جهانی شدن تکنولوژی عبارت است از: توسعه ابزارهای جدید اطلاعاتی به منظور تبادل افکار، ایده‌ها و باورها.

رسانه و تکنولوژی ارتباطی در عصر جهانی شدن

چگونگی کسب اطلاعات و ارسال پیام از دیر باز مورد توجه بشر بوده است. تا قبل از انقلاب صنعتی، مهمترین موانع این امر را می‌توان در حضور پررنگ عنصر «زمان و مکان» دید که امکان انتقال سریع اطلاعات را سلب می‌نموده است. اما با ورود به عصر صنعت و تکنولوژی، تحول عظیمی در زندگی اجتماعی و بین‌المللی انسان رخ داده است که منبع آن نیز پیدایش نظام‌های اطلاعاتی و الکترونیکی جدید است. مهمترین ویژگی‌های این نظام عبارتند از:

۱. امکان انباشت انبوه اطلاعات

۲. امکان انتقال سریع، پرحجم و جهانی اطلاعات

به عبارت دیگر دستگاه‌های الکترونیکی و کامپیوترهای نسل جدید امکان آن را می‌دهند که انبوه غیر قابل تصویری از اطلاعات در یک دستگاه کوچک رایانه انباشته شده و قابلیت تجزیه و تحلیل بیابند.^(۲)

همین اطلاعات می‌توانند از طریق شبکه‌های بین‌المللی همچون اینترنت به سرعت در اقصی نقاط جهان پراکنده شده و مستقیماً در اختیار افراد قرار گیرد. بدین گونه امکان دستیابی افراد به انواع و اشکال گوناگون اطلاعات در سطحی وسیع در سراسر جهان پدید می‌آید و انسانها می‌توانند به سهولت اطلاعات علمی، فرهنگی، تجاری، سیاسی، هنری، مذهبی و حتی اطلاعات مربوط به اشخاص و افراد گوناگون را به دست آورند.

مارشال مک لوهان رسانه را مهمترین عنصر و اصلی‌ترین تجلی ارتباطات می‌دانست و معتقد بود که: « تمامی رسانه‌ها (در میان سایر ویژگیها) از ویژگی پیام‌رسانی برخوردارند. رسانه در هر گونه تعریف، یا خود پیام است یا اصلاً برای پیام‌رسانی بوجود آمده است. پیام نیز یا خود فرهنگ است یا برای انتقال فرهنگ انتشار یافته است. تمامی رسانه‌های همگانی بنا بر ویژگی دارا بودن مخاطبین انبوه و امکان گسترش شبکه ارتباطی، استعداد جهانی شدن دارند.»^(۳) بر همین مبنا، رسانه‌ها و اطلاعات موجود در شبکه‌های الکترونیکی خود در بردارنده معانی ای هستند که همراه با تکنولوژی پیشرفته، تعمیم می‌یابند. اطلاعات، اخبار و هنرهای مختلف خود اشکال نمادین و عین فرهنگ هستند که همراه با رسانه‌ها و رایانه‌ها جهانی می‌شوند. بنابراین، رسانه‌ها را می‌توان حاملان فرهنگ و عقاید استفاده‌کنندگان از آن دانست که به وسیله آن درصدد بسط و گسترش اندیشه‌های خود در عرصه جهانی‌اند.

ارتباطات زمینه و مبنای پیدایش فرهنگ در درون یک جامعه از یک سو و مبادله فرهنگی میان جوامع مختلف از سوی دیگر است. همچنین به دلیل آنکه تکنولوژی ارتباطات دیداری و شنیداری، جهانی و فراملی شده و نیز تکنولوژی ارتباطات اطلاعاتی نیز در حال جهانی شمولی است، امکان تبادل معانی در عرصه جهانی وجود دارد و امکان تفری بین فرهنگ‌ها در این زمینه گسترش می‌یابد. بنابراین ارتباطات و رسانه‌ها یکی از مهمترین وسایل و اسباب جهانی شدن فرهنگ هستند.^(۴) اکثر تحقیقات تا این زمان متمرکز بر رسانه‌های رسمی مانند نشریات، سینما، را دیو و تلویزیون بوده و در مقام مقایسه، کار کمی بر روی رسانه‌های در حال رشدی چون ویدئو، ماهواره و شبکه‌های تلویزیون با برد زیاد و سیستم‌های مبتنی بر واقعیت مجازی صورت گرفته است. از یک نظر، این نوآوری‌ها و ابتکارات، روندی را که با رسانه‌های قدیمی شروع شده ادامه و آئین دینی را گسترش می‌دهند.

با نگاهی به گذشته می‌توان دریافت که از دهه ۱۸۹۰ به این طرف سرعت پیشرفت‌های فنی در جوامع صنعتی چنان افزایش یافته که مجال اندکی برای اعمال

محدودیت و سمت و سوئی خاص بدان باقی گذاشته است. از دیدگاه سنتی، ما در برابر پیچیدگی و تسلط فن‌آوری و رواج خیر و شر و گرایش و تمایلات سازنده و مخرب به خود وا نهاده شده‌ایم و ساختارمند شدن فن‌آوری از کنترل ما خارج شده است.^(۵) انقلاب رسانه‌ای در چند دهه گذشته موجب شده تا اقدامات در جهت ساکت کردن رسانه‌ها و ایجاد خفقان با شکست روبه‌رو شود. با ظهور جنبش‌های خاص اجتماعی و سیاسی، نیروهای دموکراتیک به وسیله گسترش موارد ذیل تقویت شدند:

گسترش کانال‌های ارتباطی جهانی از طریق اینترنت، پخش مستقیم ماهواره‌ای و رسانه‌های جهانی. بنابراین، فن‌آوری‌های تعاملی با همکاری انجمن‌های داوطلب و اجتماعات الکترونیکی، حوزه جدیدی از گفتمان عمومی، مباحث جدیدی در مورد واقعیت و یک اراده جدید دموکراتیک را ایجاد کرده‌اند.^(۶)

آنچه که حایز اهمیت است، تأثیر این انقلاب رسانه‌ای به ویژه انقلاب اطلاعاتی، بر ساختار فرهنگی و هویتی جوامع است. دگرگونی‌های ناشی از تکنولوژی جدید تغییرات بنیادین را در عرصه‌های اجتماع به وجود آورده، به ظهور فرهنگ جدید منجر می‌شود. به همین دلیل است که نبردهای قدرت در عصر تکنولوژی اطلاعات ماهیت فرهنگی می‌یابد. قدرت در شبکه مبادلات اطلاعات و بکارگیری ماهرانه نهادها نهفته است که کنش گران اجتماعی، نهادها و جنبش‌های فرهنگی را از طریق نهادها، سخنگویان و تقویت کنندگان فکری به هم مرتبط می‌سازد. بنابراین، زوال هویت‌های مشترک که مترادف با اضمحلال جامعه به عنوان نظام معنی دار اجتماعی است، نشانگر اوضاع و احوال حاکم بر عصر تکنولوژی است.^(۷)

نظم مسلط فرهنگی در دوره جهانی شدن فرهنگ ناشی از ساختارهای نوین سمعی و بصری است که امروزه در نظامی تجلی یافته که هزاران امپراتوری رسانه‌ای آن را شکل داده‌اند و هر روزه میلیون‌ها تصویر را می‌پراکنند و صدها میلیون نفر آن را دریافت می‌نمایند و برای بهره‌گیری از نمادهای تکوینی و زیبایی شناسانه‌ای آن را مورد

مصرف قرار می‌دهند. هر آینه این امکان فراهم می‌آورد که بتوانیم راز و رمز نظم نوین فرهنگی را که در ابزارهای (ارتباطی) نهفته است بخوانیم و دریابیم که چه بهره‌ای می‌توان از انتشار تصویر در سطحی جهانی به عنوان خمیر مایه فرهنگ مهاجر بگیریم، بی‌شک می‌توانستیم دریابیم که این ابزار تنها جنبه فن‌آوری ندارد بلکه شیوه نوین آگاه شدن از جهان و تفسیر آن را شکل می‌دهد. به تعبیر دقیق‌تری باید گفت که نظم نوین فرهنگی تنها یک ابزار به شمار نمی‌آید بلکه شیوه مشخصی برای درک و تفسیر جهان شمرده می‌شود.^(۸) همان گونه که دیوید بل خاطر نشان ساخته بود که مهمترین عامل تأثیر گذاری فرهنگی، گسترش تکنولوژی ارتباطات است.

برخی آثار جهانی کردن وسایل مدرن ارتباطاتی را بخشی از فرایند جهانی شدن فرهنگ می‌دانند و این گسترش افق‌ها بدون تجمع و انتشار دانشی که به بنیان همه «اخبار» شکل می‌دهد و از مولفه‌های اصلی ارتباطات معاصر است، ناممکن بود. با توسعه این سیستم‌های ارتباطی، جهانی خلق می‌شود که در آن ویژگی‌های مکان و فردیت مستمراً با نقش میانجی‌گری شبکه‌های ارتباطی منطقه‌ای و جهانی روبه‌رو می‌شود. توسعه روابط دیپلماتیک و شبکه‌های همکاری نظامی و اهمیت فزاینده سازمان ملل، همه عامل محرک‌شان را از سیستم‌های جدید ارتباطی می‌گیرند.

این سیستم‌ها به مردم تجربه جدید دیدن و مشارکت در تحولات جهان را ارائه می‌دهند. این تحولات شبکه‌های رسانهای در پیوند با جهانی شدن، سبک زندگی محلی، ملی و منطقه‌ای را در اکثر بخش‌های جهان به چالش کشیده است.^(۹) یکی از پیشرفت‌های بسیار چشمگیر معاصر در جهانی شدن، در زمینه ارتباطات الکترونیکی رخ داده است. ارتباطات برون مرزی و تبادل اطلاعات به خاطر پیشرفت‌های تکنولوژی بخصوص در عرصه ماهواره‌ای و کابل‌های فیبرنوری و کامپیوترها به شدت افزایش یافته است، به طوری که الوین تافلر، از این انقلاب اطلاعات و تغییر و جابه‌جایی در قدرت جهانی از طریق تکنولوژی اطلاعات به عنوان «موج سوم» یاد می‌کرد.^(۱۰)

برای کسانی که به اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای دسترسی مستقیم دارند، جهان

اخبار و اطلاعات به مرحله‌ای جدید و تاریخی وارد شده است، دولت‌ها یا رسانه‌های بازرگانی، دیگر نمی‌توانند به طور کامل اخبار و تبلیغات را کنترل کنند. هم اکنون هزاران شبکه اینترنتی و ماهواره‌ای وجود دارد که به آسانی می‌توان به آن‌ها دسترسی داشت که بدون تردید گسترش اخبار و دیدگاه‌ها، شهروندان عادی را گیج کرده است. به عنوان مثال، ۸۰ درصد مردم در ایالات متحده عمدتاً اخبار را از طریق تلویزیون دریافت می‌کنند. این مسئله به دولت و رسانه‌های تجاری امکان می‌دهد تا بدون مواجهه با چالش چشمگیر به قالب بندی اخبار جهان پردازند. با این حال برای کسانی که به اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای دسترسی دارند، دستیابی به تنوع اخبار و دیدگاه‌ها به شدت افزایش یافته است. نسل‌های پیشین برای آگاهی از اخبار متفاوت و گوناگون به رادیوهای موج کوتاه متوسل می‌شدند. شاهد این مدعا، آلمانی‌هایی هستند که طی جنگ جهانی دوم، رادیو بی‌بی‌سی را گوش می‌کردند. اما نسل کنونی می‌تواند به وب سایت‌های مورد علاقه خود رجوع کند. یا خود یک سایت ایجاد نماید.

این توانایی استفاده و دستیابی به این ابزارهای ارتباطی باعث گردیده که امروزه ما شاهد حضور بسیاری از گروه‌ها و جنبش‌های مختلف برای پیگیری و گسترش اهداف خود باشیم. جنبش‌هایی که به رغم دور بودن از کانال‌های رسمی قدرت، به خوبی از این ابزارهای ارتباطی برای پیشبرد مقاصد خود استفاده می‌کنند. در ادامه به چند مورد از رابطه این جنبش‌ها با رسانه‌ها اشاره می‌کنیم و سپس به بررسی استفاده جنبش‌های اسلامی از این ابزارهای ارتباطی می‌پردازیم.

رابطه رسانه‌ها و جنبش‌ها

بدون شک در یک چرخش نسبتاً کوتاه زمانی، یک انقلاب ارتباطاتی رخ داده است. توانایی سریع، قابلیت انتشار و از همه مهمتر، مبادله کم خرج اطلاعات در پهنه جهانی، از لحاظ فعالیت سیاسی آن به عنوان یک نعمت غیر مترقبه بوده است. این راه تأثیرگذار برای گروه‌هایی را فراهم می‌کند تا بعضی از عقایدشان را در یک مناظره جهانی پیش

ببرند- جایی که آگاه و بی‌خبر، مبارز و افراطی، می‌توانند دست به تحریک یک سطح محلی بزنند و سپس برای یک روند وسیع‌تر مخالفت و اعتراض بسیج کنند. همه گروه‌ها در هر اندازه‌ای، از دو تا میلیون‌ها عضو، به اعتقاد پروفسور دوروثی (Professor Dorothy E)، از دانشگاه جورج تاون، می‌توانند به یکدیگر دسترسی یابند و از شبکه نت برای پیشبرد یک دستور استفاده کنند. اعضا و پیروانشان از هر منطقه جغرافیایی می‌توانند روی شبکه بیابند و آن‌ها برای تأثیر گذاری بر سیاست خارجی هر نقطه‌ای از جهان می‌توانند تلاش کنند.^(۱۱) امروزه، تقریباً بدون استثناً، تمام گروه‌های تروریستی و شورشی، دارای وب سایت (Web site) هستند. بر طبق تحقیق اداره اطلاعات و سخن پراکنی خارجی دولت ایالات متحده (U.S. Government's Foreign Broadcast and Information Service) در حدود سال ۲۰۰۰ مشاهده شد که در این زمان، اگر حضوری در دنیای مجازی اینترنت نداشته باشی، تو وجود نداری، به عبارتی وجود تو منوط به حضور در این تکنولوژی ارتباطی است.

به علاوه بر طبق نظر یک کارشناس برجسته در زمینه ارتباط تروریستی و اینترنت، در سال ۱۹۹۸، کمتر از نیمی از ۳۰ گروهی که در بخش دولتی ایالات متحده به عنوان سازمان‌های تروریستی خارجی (Foreign Terrorist Organizations) ثبت شده بودند. دارای وب سایت بودند. اما در پایان سال ۱۹۹۹، نزدیک به تمام این گروه‌ها، به این شبکه مجهز بودند.^(۱۲)

جنبش‌های اسلامی و تکنولوژی ارتباطی

استفاده از تبلیغات توسط گروه‌های اسلام‌گرای کنونی، یک سنت طولانی است که به دوران حضرت محمد (ص) و اختلافات میان جانشینان باز می‌گردد. در واقع، شباهت‌های خیره‌کننده‌ای میان شیوه‌های مورد استفاده جوامع اسلام‌گرای معاصر و گروه‌های مبارز تاریخ اسلام، از جمله قرمطیان و فاطمیان، به چشم می‌خورد. دعوت غالباً به صورت محرمانه، فردی صورت می‌گیرد. این به ویژه هنگامی است که گروه

مقاصد و تمایلات توطئه‌گرانه دارد. در جوامع بزرگتر، از وسایل جدید، مثل نوارهای کاست و ضبط صورت به وفور استفاده می‌شود.^(۱۳) امروزه نیز با گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی، استفاده از این وسایل در دستور کار این جنبش‌ها قرار گرفته است.

جریان‌های اسلامی در انواع مختلف آن که امروزه در زمینه پای بندی به هویت و فرهنگ خودی از خاستگاهی دینی، تعصب نشان می‌دهد؛ نه تنها توسط «جهانی شدن فرهنگی» جذب نگشته که ابزارهای فن‌آوری این پدیده را برای بیان خویشتن به کار گرفته با بهره‌گیری از شبکه‌های اینترنت، گفتمان سیاسی خود را عرصه داشته به هماهنگی با آن پرداخته، از این طریق، فن‌آوری نوین جهانی شدن را در خدمت فرهنگ جریان‌های اسلامی و هویت آن قراردادده است.^(۱۴) اسلام به عنوان یک آئین عالمگیر و جهانی، گستراندن تعالیم خود را در سراسر جهان مد نظر دارد. در این رابطه، دعوت به اسلام هم یک وظیفه (فرض) جمعی است و هم فردی. بنیاد گرایانی که در محیط اسلامی فعالیت می‌کنند، از شیوه‌های تبلیغی گوناگونی بهره می‌گیرند که هدفشان هم افراد است و هم گروه‌ها. اسلام‌گرایان، به عنوان کسانی که «به حقیقت نهایی» پی برده اند، با شوق و حرارت زیاد و گاهی نیز برحسب اوضاع سیاسی، به طور مخفیانه تبلیغ می‌کنند. حسن‌البناء، و طرفدارانش، که الگوی موردنظر رهبران جدید را پایه گذاشتند، از این شیوه‌ها به بهترین وجه استفاده کردند. رهبر بنیاد گرا، به عنوان رئیس یک جمع اقتدار طلب، دو هدف تبلیغی مداوم دارد:

۱. تقویت عقاید طرفدارانش برای افزایش آگاهی آنها؛

۲. تشویق افراد جدید به عضویت در جنبش او.^(۱۵)

امروزه ما شاهدیم که چگونه هر دوی این اهداف تبلیغی از طریق جهان ارتباطی، دنبال می‌گردند و این جنبش‌ها به خوبی توانسته‌اند رسانه‌های جدید را بر ضد فرهنگ جدید به کار بندند همچنان که کاستلز نیز اشاره کرده است، «رسانه‌های الکترونیکی جدید، فرهنگ‌های سنتی را به کناری نمی‌نهند، بلکه آن‌ها را در خود جذب می‌کنند.»^(۱۶)

موج جدید تفکر اسلام‌گرایانه را می‌توان در این جمله خلاصه کرد: «ما نمی‌توانیم تنها از طریق خواندن قرآن و تاریخ در این رژیم‌های ضعیف خود را نیرومند کنیم، بلکه مطالعه علم و استفاده از تکنولوژی غرب علیه غرب نیز لازم است.» این شعار، علاقه جدید جوانان را به کسب علم و تکنولوژی نشان می‌دهد.^(۱۷)

به رغم تمام تلاش‌های تفسیری که برای یافتن ریشه‌های هویت اسلامی در تاریخ و متون مقدس به عمل آمده است، اسلام‌گرایان برای مقاومت اجتماعی و قیام سیاسی همواره به بازسازی هویت فرهنگی متوسل شده‌اند و در واقع پدیده‌ای فرا مدرن‌اند. همان طور که العزمه می‌نویسد: «سیاسی شدن امر مقدس و مقدس شدن سیاست و دگرگونی نهادهای شبه حقوقی اسلامی به اوقاف اجتماعی» همگی ابزار تحقق خط مشی‌های خود اصیل هستند. یعنی ابزار تحقق خط مشی هویت و بنابراین ابزاری برای شکل دادن و در واقع اختراع این هویت. اما اگر اسلام‌گرایی (گرچه در نوشته‌های اصلاح‌گران و احیاگران قرن ۱۹ مثل جمال‌الدین اسدآبادی ریشه داشته باشد) ذاتاً هویتی معاصر است، چرا حالا؟ چرا طی دو دهه گذشته فوران کرده است؟ آن هم پس از آنکه به دفعات در دوره مابعد استعماری مقهور ملی‌گرایی شده است، همان طور که نمونه‌های آن را می‌توان در سرکوب اخوان المسلمین مصر و سوریه (و اعلام سید قطب در ۱۹۶۶) یا صعود سوکارنو به قدرت در اندونزی یا جبهه آزادی ملی در الجزایر دید. از نظر بسام طیبی «پیدایش بنیادگرایی اسلامی به عنوان بخشی از جهان اسلام که خود را جمع واحدی می‌داند، در خاورمیانه ارتباط متقابلی با در معرض فرایندهای جهانی شدن دارد.^(۱۸)

یکی از جنبش‌هایی را که می‌توان به شکل ملموس تاثیر پذیرش را از این فرایند دید، جنبش القاعده (Al-Qaida) است. القاعده، نقطه پیوند اسلام رادیکال و جهانی شدن می‌باشد. در واقع، جهانی شدن و فشارهای همگون‌ساز ناشی از آن، موجب بروز مقاومت و واکنش‌های خاص‌گرایانه نظیر رادیکالیسم اسلامی خشونت‌گرا می‌گردد. از سوی دیگر همین جریان همگون‌ساز با امکان پذیر نمودن دسترسی به فن‌آوری‌های

نوین اطلاعات و ارتباطات، این جنبش تروریستی را بیش از پیش تقویت نموده و به عبارت بهتر آن را جهانی کرده است. جنبش القاعده، جریانی مدرن است، چه از نظر اعضا و چه از نظر عواملی که منجر به پیدایش آن شده‌اند و چه از نظر کاربرد و برخورداری از فن‌آوری نوین. به برکت همین فن‌آوری نوین، القاعده از حمایت دولتی نیز بی‌نیاز شده و به جنبشی جهانی بدل گردیده است. تروریسم نوین گرچه در برابر جهانی شدن شکل گرفته، اما از امکانات و قابلیت‌های آن به تمامی بهره می‌برد و به این معنا، تروریسم نوین تروریسم جهانی شده است. تاکید بر شبکه‌های مالی، ارتباطی، اعتقادی و سازمانی فراملی و فراملی، ضدیت با دولت و قواعد مدرن و بهره‌گیری از امکانات جهانی همچون ماهواره‌ها، خطوط هوایی و اینترنت، همگی نشان دهنده این سطح از ارتقاء هستند. برای مثال القاعده که حیات رسمی آن از سال ۱۹۸۸ آغاز شده، در واقع شبکه‌ای جهانی است که نشانه‌های حضور آن تاکنون علاوه بر افغانستان، در پنجاه کشور جهان دیده شده و از اریتره در آفریقا تا فیلیپین در آسیای جنوب شرقی امتداد دارد.

ساختار شبکه‌ای القاعده به گونه‌ای است که امکان ضربه پذیری آن را به حداقل می‌سازد؛ چرا که در این شبکه، قدرت مرکزی، سلسله مراتب و مقر اصلی به شکل سنتی و مشخص آن موجود نیست و هر بار مسیر و شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. به این ترتیب هر بار که بخشی از شبکه ضربه می‌خورد، اطلاعات از راهی دیگر در تمام شبکه جاری می‌شود. در بعد فعالیت‌های عملیاتی نیز سازمان‌های تروریستی برای تاثیر گذاری هر چه بیشتر نیاز به نوعی قابلیت جمع‌آوری اطلاعات دارند. در این چارچوب استفاده از منابع آشکار همچون اینترنت، کمک مهمی به آن‌ها در انتخاب هدف می‌کند. به واقع اینترنت و منابع آشکار در بعد عملیات، کارکردهای بسیاری ایفا می‌کنند. به بیان دیگر، فن‌آوری رایانه‌ای در خدمت مواردی چون عضوگیری، تبلیغات سیاسی، تامین مالی، ایجاد ارتباطات و هماهنگی بین گروه‌ها و در درون هر گروه، جمع‌آوری اطلاعات و پنهان کاری و ناشناس ماندن در فعالیت‌های روزمره و نیز در عملیات

تاکتیکی قرار می‌گیرد. در این خصوص، گروه زرقاوی در عراق و جانشین او المصری، بیشترین سهم را در میان گروه‌های تروریستی در استفاده از اینترنت به خود اختصاص داده است. آن‌ها به راحتی ویندوز مدیا (Windows Media) و ریل پلیر (Real player) را به کار می‌گیرند و از تمام صحنه‌های خود فیلمبرداری می‌کنند. سپس این فیلم‌ها را به روی اینترنت برده و در اختیار هواداران خود قرار می‌دهند. استفاده از این شیوه به مرور گروه مزبور را متوجه نمود که هر مقدار برنامه‌های تبلیغاتی بیشتر بوده، به همان میزان نیروهای جدیدی جذب آن‌ها شده است. در این راستا، گروه زرقاوی، ماهنامه اینترنتی «ذوره السنام» به معنای رشد کوهان شتر را بر روی شبکه جهانی اطلاعات منتشر می‌کند که محتوای آن آموزش‌های نظامی خاص و دستورالعمل‌های عملیاتی به هواداران است. یک پژوهش گسترده نشان می‌دهد که ۴۰۰ نفر از نیروهای زرقاوی که در عراق کشته شدند، به طور دائم از اینترنت استفاده می‌کردند و از همین طریق جذب این گروه شده بودند.^(۱۹)

در دهه‌های اخیر با گسترش شبکه‌های اطلاع رسانی و ارتباطی مجازی که امکان مبادلات اقتصادی به شکل کاملاً ناشناس و غیرقابل ردیابی مسیر می‌نماید و به مدد تکنولوژی فراگیر عصر جهانی شدن، جنبش‌های اسلامی به فرصت‌ها و منابع جدیدی دست یافته است که پشتیبانان منابع حمایت مالی و سیاسی و نیز برنامه عمل این گروه‌ها را بیش از پیش در حاله‌ای از ابهام فرو می‌برد، به نحوی که بنا به گزارش شماره ۱۴۸ سازمان بین‌المللی مبارزه با تروریسم جهانی، حامیان گروه القاعده طیفی از روستائیان و دهقانان افریقایی زامبیا تا شاهدگان عربستان سعودی و حتی گروه‌های معترض اروپایی و امریکایی را در بر می‌گیرند. ویژگی مشترک اکثر گروه‌های موجود در این لیست، جدا از مسلمان بودن، بهره‌مندی آن‌ها از شبکه‌های جهانی اطلاعات و رایانه‌ها در انجام و یا طراحی و هماهنگی اقدامات تروریستی است. که برخی با عنوان سایبر تروریسم (Syber- terrorism) از آن یاد می‌کنند.

امروزه محلی زدایی کمتر از طریق بررسی همه جانبه آثار قدیمی و بیشتر از

طریق قرار گرفتن بی‌واسطه در معرض مسایل جهانی صورت می‌گیرد. بدین ترتیب که اسلام در تلویزیون عرضه می‌شود، اطلاعات مربوط به آیین هندو در بخش مذاهب کتاب فروشی‌ها یافت می‌شود، و هواداران کنفوسیوس نیز از جمله اعضای انجمن اولیا و مربیان مدارس می‌باشند.^(۴۰) بدین ترتیب، دیگر مرزها اعتبار گذشته خود را از دست داده‌اند و بسیاری از جنبش‌ها دارای طیف وسیعی از هواداران خود در اقصی نقاط جهان هستند به شکلی که نمی‌توان محدوده جغرافیایی معینی را به عنوان مقر آنان مشخص نمود. بدین ترتیب، دامنه تأثیر گذاری و عملکرد جنبش‌های اسلامی معاصر، توسعه یافته‌تر از گذشته است. تا جایی که عملکرد یک جنبش اسلامگرا، به واسطه شبکه‌های ارتباطی و اطلاع رسانی، دیگر چون گذشته به محدوده مکانی و جغرافیایی خاص محدود نمی‌شود. وجود شبکه‌های جهانی مجازی و دسترسی غالب این گروه‌ها به آن، باعث جهانی شدن پیام‌رسانی و گسترش ارزش‌های این جنبش‌ها گردیده است.

در پیام‌های مختلف بن لادن، رهبر القاعده، یا سایر اسناد به‌دست آمده از افرادی نظیر ابومصعب الزرقاوی که در شبکه‌های تلویزیونی و اینترنت انتشار یافته‌اند. آن‌ها خود را مبارزان معتقدی می‌دانند که به دستور خداوند و بدون هر گونه مصلحت اندیشی و سازشکاری که در سایر مسلمانان غیر مبارز و دولت‌های اسلامی وجود دارد، به جهاد با شیطان و مظاهر بیرونی آن یعنی غربی‌ها می‌پردازد. بن لادن در پیامی که در تاریخ ۱۲ فوریه ۲۰۰۲ از شبکه تلویزیونی الجزیره پخش شد، هدف خود از جهاد را این گونه تشریح کرد:

«خداوند جوامع اسلامی را به واسطه جهاد متبرک نمود تا مبارزان از جانب او جهان را از قید شیاطین آزاد سازند و نیز از شر متجاوزانی که با استفاده از غفلت و گمراهی حکام عرب، سرزمین‌های اسلامی را اشغال کرده‌اند و شریعت را به مبارزه می‌طلبند.»

در این پیام بیش از ۸ بار با استناد به آیات و روایات اسلامی، جهاد با کفار

ضروری دانسته شده و دولت‌های اسلامی به دلیل سازشکاری، ملامت و تهدید به نابودی می‌شوند و مبارزان و مجاهدین تقدیس می‌گردند. آنچه در مجموعه این اسناد بیش از هر چیز قابل تامل است، اعتقاد سرسختانه گویندگان آن‌ها به درستی عملی است که انجام می‌دهند. گروه‌های اسلامی و عرب بر طبق مشاهدات مطلع، حضور گسترده‌ای در شبکه مجازی دارند. بر طبق آن، استفاده از اینترنت به وسیله اسلامگرایان، به شکل آشکاری در حال رشد است. آن‌ها برای پیش بردن دیدگاه‌هایشان و ارتقای راهبرد «جنبش جهانی اسلامی» (Global Islamic Movement) و سازمان دادن به فعالیت‌هایشان از آن استفاده خواهند کرد. به طوری که تجربه نشان داده است که در بعضی اوقات باحس دشمنی نسبت به امنیت غرب، و در یک وضع وسیعتر، ممکن است در جهت بر انداختن امنیت دولت‌ها به کار گرفته شود.^(۲۱) همچنین بر طبق مشاهدات دولت ایالات متحده، «هرگز در تاریخ چنین فرصتی برای تبلیغ، مؤثر نبوده است.»

القاعده و اینترنت

جنبش القاعده، در حقیقت یک نمونه بی‌همتاست در میان تمامی جنبش‌هایی که در حال حاضر فعالیت می‌کنند. از همان ابتدای پیدایش دنیای مجازی، این جنبش به نظر می‌رسید که به دنبال دستیابی به پتانسیل ارتباطی عظیم اینترنت است و درصدد پیش بردن اهداف راهبردی جنبش و استفاده از امکانات برای عملیات‌های تروریستی برآمده. اینترنت سه عملکرد انتقادی را برای القاعده تسهیل می‌کند:

۱. تبلیغ برای سربازگیری و افزایش سرمایه و شکل دادن به افکار عمومی در جهان اسلام؛
۲. آموزش و تعلیم تروریست،
۳. طراحی عملیات برای حمله از طریق ارتباط الکترونیکی و فراهم نمودن دسترسی نظم سودمند به منابع اطلاعاتی آزاد.^(۲۲)

برای القاعده، بعد از حادثه یازده سپتامبر و در نتیجه حمله امریکا به افغانستان و از دست دادن این کشور به عنوان یک پناهگاه و مخفیگاه فیزیکی، اینترنت به عنوان یک پناهگاه مجازی برای اهداف ذیل به حساب آمده است: فراهم نمودن اهداف بی‌نام و ضروری و موثر از طریق جنبش که می‌تواند ارتباط با جنگجویان، پیروان، طرفداران، و حمایت کنندگان در پهنه جهانی را دنبال کند. به طور مثال، تا قبل از حملات یازده سپتامبر، القاعده تنها دارای یک وب سایت بود: www.alneda.com. امروزه، این جنبش بر روی بیش از پنجاه سایت مختلف حضور دارد. یکی از اعضای جهادی این گروه اعلام کرده بود که داشتن وب سایت‌های بیشتر برای ما بهتر است. ما باید اینترنت را ابزار خودمان بسازیم. در ابتدا سایت [alneda](http://alneda.com) این نیازمندی‌های جنبش را برآورده می‌کرد.^(۲۳) این سایت تنها به زبان عربی منتشر می‌شد و به صورت کلی می‌توان گفت همه سایت‌های گروه‌های جهادی به زبان عربی بود. در این فضا، اهمیت دادن به سه پیام اصلی به عنوان ستون ریشه‌ای القاعده و دیگر گروه‌های جهادی در وب سایت‌ها پی‌گیری می‌شد:

اولاً: اینکه غرب دشمن کینه دار اسلام است؛

دوم اینکه: تنها راه طرز خطاب این تهدید و تنها زبانی که غرب درک می‌کند، خشونت است؛ و

سوم: اینکه جهاد تنها گزینه می‌باشد.^(۲۴)

سایت [al-neda](http://al-neda.com) پس از حمله امریکا به افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، وسیله‌ای جهت ایجاد روحیه به جنگجویان و حامیان جنبش‌های جهادی در آمد، چرا که پس از این حمله، پایگاه اصلی این جنبش‌ها با چالش جدی مواجه گشت. در طول اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ به عنوان یک کشور اسلامی دیگر توسط امریکا، این سایت و سایت‌های جهادی دیگر، بر روی صفحات خود به بیان فضیلت جهاد با کفار و بیرون راندن آنان از سرزمین‌های اسلامی پرداختند. بن لادن در پیامی که در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۳ به دفتر شبکه تلویزیونی الجزیره در اسلام آباد پاکستان ارسال کرد و سپس از

طریق این شبکه بخش شد، به مقوله جهاد با کفار و اشغالگران سرزمین‌های اسلامی پرداخت: «به خداوند سوگند که آمریکا و کسانی که در آن زندگی می‌کنند، روی امنیت را نخواهند دید، مگر آنکه ما در فلسطین امنیت داشته باشیم و همه ارتشهای کفر سرزمین رسول الله را ترک گفته باشند» این پیام و سایر پیام‌های مشابه، از طریق صفحات اینترنتی به صورت یک متن نیز به تمام دنیا مخابره می‌شوند. این جنبش‌ها همچنین جهت استمرار حضور خود در رسانه‌ها و مقابله با سانسور و محدودیت‌هایی که توسط حکومت‌ها اعمال می‌گردد دست به ایجاد منابع جایگزین و کانال‌های جدید می‌زنند. به طور مثال در زمان اشغال عراق، چندین سایت توسط گروه‌های اسلامی به وجود آمد که به کانالی برای مقابله با اشغال سرزمین‌های اسلامی و دعوت مسلمین به جهاد و مبارزه تبدیل گشت.^(۳۵) برخی از این سایت‌ها عبارتند از:

www.jihadunspun.com

www.kavkazcenter.com

www.albasrah.net

www.lslammemo.cc

www.balagh.com

بعد از سال ۲۰۰۳، سازمان‌های شورشی بومی در عراق و همچنین گروه‌های جهادی خارجی در فیلم‌هایی که به «مجاهدین» (Mujahideen films) معروف بود، به فروش در بازارهای عراق و نیز ارسال‌های پستی در شبکه‌های اینترنت پرداختند. این فیلم‌ها به اشکال و اهداف مختلف بود:

■ ترسیم صحنه‌های استفاده شورشیان از بمب‌های خیابانی کمین گذاشته شده برای آمریکائی‌ها

■ رساندن سودمند و ماهرانه نکته‌های مهم به شورشیان، به طور مثال، موعظه به شورشیان جهت تخلیه مناطقی که کمتر از ده دقیقه، بدان حمله صورت خواهد گرفت، قبل از اینکه هیچ یک از نیروهای امریکایی در موقعیت آنان باشند، و همچنین ساختار

استفاده از سلاح و طرح و اجرای حملات

■ انتقال آخرین جملات رباینده شدگان عراقی و خارجی درباره اعدامشان. و،
نمایش دادن تصاویر اعدام خودشان.

■ تقاضا برای اخذ کمک‌های مالی، و

■ احتمالاً مهمترین درخواست، سربازگیری و جذب نیرو از مناطق خاورمیانه،
جنوب و مرکز آسیا، شمال آفریقا، و اروپا و حتی امریکای شمالی برای آمدن به عراق و
ایجاد قهرمانان شهادت‌طلب.^(۲۶)

اطلاعات، به سرعت در سایت‌های مختلف از طریق آدرسهای الکترونیکی
(E-mail)، یا از طریق کانالهای دیگر اینترنتی، در گردش است. تالارهای گفتگو
(Chat rooms) و فضاهای آزاد اینترنتی، به وسیله حامیان گروه القاعده جهت انتشار
عقاید ایدئولوژیک شان و آگاهی دادن به مخاطبین بین‌المللی شان، مورد استفاده قرار
می‌گیرند.^{(۲۷)(۲۸)} این اهداف تا امروز نیز ادامه یافته است و صدها سایت اینترنتی و
رسانه‌های مختلف، با زبان‌های گوناگون و در قالب‌های گوناگون، به تبلیغ و
پیگیری مقاصد این اسلامگرایان افراطی، ادامه می‌دهند. به عنوان نمونه ایمن الظواهری
فرد شماره دو القاعده در تازه‌ترین پیام صوتی خود در ماه نوامبر ۲۰۰۸ که از
سایت‌های اینترنتی مرتبط با بنیاد گرایان اسلامی پخش شده، باراک اوباما رییس
جمهوری منتخب امریکا را مورد سرزنش قرار داده و گفته است "باراک اوباما یک
سیاهپوست امریکایی شریف نیست، بلکه یک غلام خانه زاد است." ظواهری افزوده
برنامه آقای اوباما برای انتقال نیروهای امریکایی به افغانستان با شکست مواجه خواهد
شد. فرد شماره دو القاعده خطاب به رییس جمهوری منتخب امریکا هشدار داده: "اگر
کماکان می‌خواهید نسبت به ناکامی‌های امریکا در افغانستان لجاجت کنید، سرنوشت
بوش و پرویز مشرف، شوروی و بریتانیا را به یاد آورید." این گونه پیام‌ها امروزه به
صورت گسترده‌ای به کمک فن‌آوری‌های پیشرفته ارتباطی به تمام دنیا فرستاده
می‌شوند.

دستاورد

همانگونه که آمد، گسترش تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، باعث دسترسی آسان به ابزارهای ارتباطی و در نتیجه، به‌کارگیری آن در جهت پیشبرد اهداف و مقاصد استفاده‌کنندگان از آن شده است. از جمله گروه‌هایی که اقدام به این امر نموده‌اند و از این ابزار مدرن در جهت منافع خود بهره می‌گیرند، جنبش‌های اسلامی می‌باشند. این جنبش‌ها، استفاده از این وسایل را در دستور کار خود قرار داده‌اند. امروزه ما شاهدیم که چگونه گروه‌هایی نظیر گروه تروریستی القاعده، در جهت دنبال کردن اهداف همچون، عضوگیری، تبلیغات سیاسی، تامین مالی، ایجاد ارتباطات و هماهنگی بین گروه‌ها و در درون هر گروه، جمع‌آوری اطلاعات و پنهانکاری و ناشناس ماندن در فعالیت‌های روزمره و نیز در عملیات تاکتیکی، از این ابزار مدرن به خوبی بهره‌برداری می‌کنند.

این جنبش‌ها، علی‌رغم استفاده از فن‌آوری مدرن، با مدرنیته، سرسازگاری ندارند و به همین منظور، به مقابله با آن می‌پردازند. استفاده از ابزارهای مدرن بر علیه دنیای مدرن، کار ویژه اصلی این جنبش‌هاست. تضاد عقیدتی میان ایدئولوژی جنبش‌هایی چون القاعده با ایده‌های مدرن ناشی از تمدن غرب، باعث واکنش آنان و مقاومت در برابر آن در جهت حفظ هویت اسلامی خود شده است. ❖

پی‌نوشت‌ها:

۱. بنگرید به: سلیمان ایران زاده، جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان، تبریز: آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۰، به نقل از:
 2. *Dictionary of philosophy*, 1967, and: Mac Graw. Hill, *Encyclopedia of Science and Technology*.
 ۳. حسین سلیمی، فرهنگ گرایسی، جهانی شدن و حقوق بشر- تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹، ص ۳۹۰
 ۴. مسعود اوحدی، « رسانه‌ها و جهانی شدن فرهنگ»، سروش: رسانه و فرهنگ، تهران: سروش، ۱۳۷۷، ص ۵۵
 ۵. حسین سلیمی، همان، ص ۳۸۱
 ۶. استوارت ام هوور، نات لاندبای، بازانديشی رابطه دین، فرهنگ و رسانه، مترجم: مسعود آریایی نیا، تهران، سروش، ۱۳۸۲، ص ۹۳
 ۷. یحیی کمالی پور، جنگ، رسانه و تبلیغات، مترجمان، عباس کاردان، حسن سعید کلاهی، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶، ص ۲۲
 ۸. مانوئیل کاستلز، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکپاز، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰، ص ۴۲۶
 ۹. عبدالاله بلقزیز، جهان عرب و جهانی شدن، گرد آورنده: اسامه امین الخولوی؛ مترجم: عبدالهادی بروجردی، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲، ص ۳۵۷
 ۱۰. پرویز پیران، «نگاهی به تحولات پایان قرن بیستم»، *اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، شماره ۱۰۶-۱۰۵ (آذر و دی ۱۳۷۲)، ص ۱۴-۱۱
 ۱۱. الوین تافلر، موج سوم، ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۶
12. Denning, "Activism, Hacktivism, and Cyber Terrorism: the Internet as a tool for Influencing Foreign Policy, Accessed at [http:// www. Nautilus.org/info-Policy/ Workshop/Papers/ Denning.html](http://www.Nautilus.org/info-Policy/Workshop/Papers/Denning.html), 16April 2002, p.3
13. Gabriel Weimann, *Terror on the the Internet: the New Arena, the New*

Challenges, Washington D.C.: U.S. Institute of Peace, 2006, p.15.

۱۴. هرایر دکم‌جیان، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: سازمان انتشارات کیهان-۱۳۷۷، ص ۹۳
۱۵. طلال عترسی، جهان عرب و جهانی شدن، همان، ص ۳۶
۱۶. هرایر دکم‌جیان، پیشین، ص ۹۲
۱۷. مانوئل کاستلز، پیشین، ص ۴۲۸
۱۸. هرایر دکم‌جیان، پیشین، ص ۲۶۰
۱۹. مانوئل کاستلز، پیشین، ص ۳۳
۲۰. فرزاد پورسعید، «تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۴، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۸۵، ص ۸۳۰-۸۲۹
۲۱. فکس ال استکهاوس، چالش دینی جهانی سازی، ترجمه لیلی مصطفوی کاشانی، فرهنگ در عصر جهانی شدن، چالش‌ها و فرصت‌ها، ترجمه محمد توحید نامه، تهران: روزنه، ۱۳۸۱، ص ۲۷۴
22. Michael Whine, "Islamist Organizations on the Internet," *Terrorism and Political Violence*, Vol, 11. No, 1, Spring 1999, p. 131.
23. Bruce Hoffman, "The Use of the Internet By Islamic Extremists", May 4. 2006, RAND Corporation. www.RAND.com p.6
24. See www.alneda.com.accessed at http:www.Swithun. Demon. Co.Uk / markaz /homepage 02 Jul 22.htrn on 12 August 2002.
25. Paul Eedle, "Terrorism.com," *The Guardian*, London, 17 july 2002
26. Bruce Hoffman, op.cit., p. 13
27. Ibid. p. 16.
28. Andrew Lawless, Islam on- line. Adapting to the Digital Age. p.4 www. Three Monkeys Onlin'e. com. June 2004